

## رابت وانوی ، پیامبران بزرگ، سخنرانی ۱۱

### اشعیا 30-32

تنظیم اشعیا 30 - اتحاد با آشور به گزینه مصر

بیایید به سراغ اشعیا ۳۰ برویم. من پیشنهاد دادم که فصل‌های ۲۸ و ۲۹ ضیافتی از اشراف را در جشن اتحادشان با آشور و خطاب اشعیا به رهبران یهودا داشته باشند. وقتی به فصل ۳۰ می‌رسید، تشخیص اینکه آیا همان فضا را دارد یا اینکه یک گفتمان کاملاً جداگانه در زمانی بعد است، دشوار است. من فکر می‌کنم کاملاً ممکن است که مورد دوم باشد؛ به نظر می‌رسد که به چیزی که بعداً اتفاق افتاده وای بر فرزندان لجباز، « خداوند می‌گوید، « است، می‌پردازد. متوجه می‌شوید که چگونه شروع می‌شود بر آنانی که نقشه‌هایی را که از من نیست، اجرا می‌کنند، اتحادی تشکیل می‌دهند، اما نه از روح من، گناه» را بر گناه انباشته می‌کنند. آنانی که بدون مشورت با من به مصر می‌روند. آنانی که به دنبال کمک برای «» حمایت فرعون و پناه بردن به سایه مصر هستند

دوم پادشاهان ۸:۱۹-۹ زمین تاریخی

به عبارت دیگر، این پاسخی است به آنچه اشراف دوباره به آن فکر می‌کنند: «ببینید، اگر ما را به خاطر اتحاد با آشور محکوم می‌کنید، اگر این اتحاد علیه ما شود، خب، آن موقع ما با مصر متحد می‌شویم. ما گزینه دیگری داریم.» ممکن است این چیزی باشد که آنها به آن فکر می‌کردند، یا ممکن است و من به این پیشنهاد دوم تمایل دارم - به تلاشی واقعی برای انجام این کار اشاره داشته باشد. اگر به دوم - پادشاهان ۹:۱۹ نگاه کنید، در آنجا در زمینه حمله آشور به یهودا در زمان حزقیا، از آیه ۸ شروع چون فرمانده لشکر شنید که پادشاه آشور لاکیش را ترک کرده است، عقب‌نشینی کرد و دید که « می‌شود پادشاه در حال جنگ با لینه است. اکنون سنحاریب گزارشی دریافت کرد مبنی بر اینکه ترهاقه، پادشاه کوشی مصر، برای جنگ با او لشکرکشی می‌کند. بنابراین او دوباره فرستادگانی را با این کلام نزد بنابراین در دوم پادشاهان ۹:۱۹ به این پادشاه «... حزقیا فرستاد: «به حزقیا پادشاه یهودا بگوئید اتیوپیایی که از مصر بیرون می‌آید تا با آشور بجنگد، اشاره می‌شود. بنابراین ممکن است منظور اینجا همین باشد، وقتی یهودا در مواجهه با تهدید آشوریان از مصر کمک می‌خواهد؛ اما در هر صورت، این فقط چند پیشنهاد در رابطه با پیشینه این فصل است.

اشعیا 1:30-7 یهودا را به خاطر اینکه از خداوند کمک نخواستند و به مصر روی آوردند، توبیخ کنید

تا جایی که به فصل ۳۰ مربوط می‌شود، آیات ۱-۷ یهودا را به خاطر کوتاهی در درخواست

کمک از خداوند و روی آوردن به مصر سرزنش می‌کند. و آیات ۱-۷ می‌گویند که این کار هیچ سود و

فایده‌ای نخواهد داشت. بنابراین در آیه دوم می‌خوانیم: «وای بر آنان که به مصر می‌روند.» آیات ۳-۶ اما حمایت فرعون مایه شرمساری شما خواهد بود، سایه مصر شما را رسوا خواهد کرد. « می‌گویند اگرچه آنها در صوعن صاحب منصبانی دارند و فرستادگانشان به حانیس رسیده‌اند، اما همه به خاطر قومی بی‌فایده که برای آنها نه کمکی و نه سودی می‌آورند، بلکه فقط شرم و ننگ می‌آورند، شرمنده خواهند شد.» پیشگویی درباره حیوانات نقب: در سرزمین سختی و پریشانی، شیرها و شیرهای ماده، افعی‌ها و مارهای تیزرو، فرستادگان ثروت خود را بر پشت الاغ‌ها و گنجینه‌های خود را بر کوهان شترها، به سوی آن ملت بی‌فایده، به مصر، که کمکشان کاملاً بی‌فایده است، حمل می‌کنند. بنابراین من او را راحاب بی‌عمل می‌نامم.»

حال، آیه هفتم از نظر ترجمه آیه جالبی است. به آن نگاه کنید. ترجمه اشعیا ۷:۳۰ مصر/ راحاب بی‌عمل در نسخه شاه جیمز، اشعیا ۷:۳۰ می‌گوید: «مصریان بیهوده و بی‌هدف کمک خواهند کرد. از این رو من می‌گویم: «به مصر، که کمکش کاملاً NIV در این باره فریاد زده‌ام، قدرت آنها در نشستن است.» نسخه حتی « NASB: بی‌فایده است. بنابراین من او را راحاب بی‌عمل می‌نامم.» خیلی شبیه نسخه شاه جیمز نیست مصر، که کمکش بیهوده و پوچ است. بنابراین من او را راحاب بی‌نامم، که نابود شده است.» اگر ترجمه‌ها را مقایسه می‌کردید، ممکن است تعجب کنید که آیه چه می‌گوید؟ چگونه چنین ترجمه‌های متفاوتی از کلمات عبری یکسان بیرون می‌آیند؟

بیهوده» « *hevel*، «و مصر» *umitzraim*، اگر به متن عبری پایین نگاه کنید و آن را دنبال کنید و بی‌هدف» را *دارید*، اما آنها کمک می‌کنند. بنابراین به معنای واقعی کلمه، «در مصر» *wawriq* و بنابراین من این را نامیده‌ام» را *دارید* - و سپس « *al ken* 'بیهوده و بی‌هدف کمک می‌کنند.» سپس به معنای واقعی کلمه، یک راحاب، آنها آرام هستند.» بنابراین، «در مصر بیهوده و بی‌هدف» *sheveth* کمک می‌کنند؛ بنابراین من این را 'راحاب، آنها آرام هستند' نامیده‌ام. اگر فقط کلمه به کلمه آن را در نظر بگیریم، ترجمه این است.

به نقل قول هایتان، صفحه ۲۴، پاراگراف دوم از تفسیر ای. جی. یانگ بر اشعیا، جلد دوم، نگاه کنید که به نظر من مفید است: او می‌گوید: «بیهوده و بی‌هدف کمکی نمی‌کنند.» یانگ می‌گوید: «با این کلمات، اشعیا کشوری را که یهودا به دنبال کمک به آن بود، توصیف می‌کند - مصر ممکن است سعی کند کمک کند، اما تلاش‌هایش به پوچی و بطلت می‌انجامد. آنها به هیچ وجه کمکی نمی‌کنند. آنها هیچ سود یا فایده‌ای برای یهودا ندارند. به همین دلیل است که پیامبر، به نام خدا، این سرزمین را «*راهاب*» می‌نامد - «*بنابراین من آن را «راهاب» نامیده‌ام.*» آیا آن سطر دوم را می‌بینید؟ «بنابراین من این را «*راهاب*» نامیده‌ام.» در جای دیگر، این اصطلاح به عنوان یک نام شاعرانه برای مصر استفاده

می‌شود. این کلمه به خودی خود صرفاً به معنای «تکبر، طوفان» است. یانگ می‌گوید: «با این حال، ظاهراً در برخی از متون کتاب مقدس برای اشاره به مار یا تمساح استفاده شده است و بنابراین به مصر به عنوان یک مار یا تمساح بزرگ که در امتداد دریا قرار دارد، اشاره دارد. در مورد مصر، این کلمه نشان می‌دهد که این سرزمین طوفانی بود که بر بنی‌اسرائیل رها شد - طوفانی که اگر می‌توانست آنها را می‌بلعید.» این همان راحاب است. «خود ملت به عنوان یک نهاد قدرتمند به همراه خدایانش مانند طوفانی می‌بلعد.» «علیه اسرائیل قیام کردند - واقعاً یک راحاب بود»

ساخت کلمات پایانی دشوار است - به نظر می‌رسد که مفعول فعل در کلمات «رها بیا آنها استراحت می‌کنند» آمده است. به عبارت دیگر، همانطور که لهجه ماسورتی نشان می‌دهد، مفعول در جمله بیان شده است؛ کلمات «رها بیا آنها» به هم تعلق دارند. این کلمات، نظر یا نام مشترک مصر را در نظر مصریان به طور کلی بیان می‌کنند: آنها به عنوان رهاب، هیولایی قدرتمند که می‌توانست ببلعد و نابود کند، در نظر گرفته می‌شدند.

اما در واقع، آنها فقط یک «شیوت» بودند - یک استراحت. این کلمه اخیر به معنای توقف فعالیت، یک دوره استراحت است و بنابراین تضاد مناسبی با راحاب ایجاد می‌کند. بنابراین مصر نه به عنوان راحاب، بلکه به عنوان «یک توقف یا استراحت» شناخته می‌شود. بنابراین، این قدرتی است که نمی‌تواند برای قوم خدا کمکی کند. خدا سخن گفته است. به اصطلاح، نشان او بر مصر است - او راحاب نیست، بلکه فقط یک استراحت است. «اینک تو به عصای این نی شکسته بر مصر توکل می‌کنی که اگر کسی بر آن تکیه کند، به دست او فرو می‌رود و آن را سوراخ می‌کند. فرعون، پادشاه مصر، نیز برای همه کسانی که به او توکل می‌کنند، چنین است» - اشعیا ۶: ۳۶. بنابراین مصر نام جدیدی را درک می‌کند» و در واقع نحوه درک او از این عبارت اینگونه است: آیا آنها راحاب هستند؟ نه، بلکه یک استراحت. قدرت عظیم مصر از بین رفته است. این ملت دیگر آن چیزی نیست که قبلاً بود.

حالا، به نظر من این یک روش منطقی برای خواندن متن است - به عبارت دیگر، مصر به عنوان این هیولا، این رهاب، این تمساح دیده می‌شود - مثل یک ببر کاغذی است؛ آنها آن چیزی نیستند که به نظر می‌رسند: آنها در حال استراحت هستند، ضعیف هستند، و هیچ فایده‌ای نخواهند داشت. بنابراین، اگرچه ممکن است فکر کنید که آنها یک رهاب هستند، اینطور نیست.

خب، شاید این بهترین کلمه برای ترجمه آن نباشد. در زبان عبری، «شیوت» به معنای توقف، سکون و بی‌حرکت نشستن است. بنابراین، این‌طور به نظر می‌رسد که «راحاب» به معنای خرنده یا تمساح یا چیزی قدرتمند است؛ با این حال، بی‌حرکت نشسته است، هیچ کاری نمی‌کند. حالا، نمی‌دانم این ایده را به (NIV) «کجا» (نابود) می‌شود. به نظر می‌رسد که «راحاب بی‌عمل NASB جدیدترین خوبی درک کرده است. قدرت آنها در بی‌حرکت نشستن است. فکر می‌کنم «راحاب بی‌عمل» احتمالاً به

«مفهوم عبری نزدیکتر است. «من او را «راحاب بی عمل» می‌نامم

سوال دانش‌آموز: «به نظر می‌رسد که در بیشتر موارد منطقی است، به جز این نکته که او از تمساح به طوفان منتهی می‌شود. من می‌توانم استعاره حیوان را اینجا ببینم، اما به نظر می‌رسد که استعاره «ناگهان از یک حیوان به یک طوفان تغییر می‌کند»

وانوی: همانطور که در مورد مصر به کار رفته است - این کلمه نشان می‌دهد که این سرزمین پاسخ طوفانی بود که بر بنی اسرائیل رها شد، طوفانی که آنها را در خود فرو خواهد برد. یانگ می‌گوید، خود این کلمه به معنای «تکبر یا طوفان» است. اگر به دنبال «راهب» یا «راحاب» بگردید، فرهنگ لغت به معنای واقعی کلمه می‌گوید «طوفان، تکبر، اما فقط به عنوان نام - هیولای دریایی اسطوره‌ای، BDB نام نمادین مصر». بنابراین برای این هیولای دریایی اسطوره‌ای استفاده می‌شود و به عنوان نام نمادین «مصر به کار می‌رود. اما معنای ذاتی آن «طوفان» یا «تکبر

این به جورایی حاشیه‌ایه. واضحی که آیات یک تا هفت در مورد چی صحبت می‌کنن، جدا از . است اینکه چطور اون عبارت آخر رو ترجمه می‌کنی، این ایده که آگه آشور جواب نداد، می‌تونستن به مصر اعتماد کنن، اما این هم بی‌فایده خواهد بود. فکر می‌کنم چیزی شبیه به این، ارزش حداقل داشتن کمی دانش عبری رو نشون می‌ده. خیلی‌ها می‌تونن بگن: «خب، چرا این زبان‌ها رو یاد بگیریم؟ ما این همه ترجمه داریم.» می‌بینی، به جاهایی ترجمه‌ها کمکی نمی‌کنن، چون ترجمه‌ها رو با هم مقایسه می‌کنی و کاملاً گیج می‌شی، مگه اینکه یه راهی برای برگشتن و نگاه کردن به متن اصلی و دیدن اساس تفاوت بین این ترجمه‌ها داشته باشی.

بیا بید به اشعیا 30، آیات 8 تا 17 اشعیا 30: 8-17 اسرائیل نابود شد اما برخی زنده خواهند ماند اکنون برو، آن را برای آنها بر لوحی بنویس، آن را بر طوماری حک کن، تا برای روزهای «: برویم آینده شاهدهی جاودان باشد. اینها قوم سرکش، فرزندان فریبکار، فرزندانانی هستند که نمی‌خواهند به تعلیم خداوند گوش دهند. آنها به پیشگویان می‌گویند: «دیگر رؤیا نبینید!» و به انبیا می‌گویند: «دیگر رؤیای راست به ما ندهید! چیزهای دلپذیر به ما بگویید، خیالات را پیشگویی کنید. از این راه بروید، از این مسیر دور شوید و دیگر با قدوس اسرائیل روبرو نشوید!» بنابراین، این چیزی است که قدوس اسرائیل می‌گوید: چون شما این پیام را رد کرده‌اید، به ظلم تکیه کرده‌اید و به فریب متکی بوده‌اید، این گناه برای شما مانند « دیوار بلندی خواهد شد که ترک خورده و برآمده است و ناگهان در یک لحظه فرو می‌ریزد. مانند سفال خرد خواهد شد، چنان بی‌رحمانه خرد شده که در میان تکه‌های آن، حتی یک تکه برای برداشتن زغال از اجاق یا بیرون کشیدن آب از مخزن پیدا نخواهد شد.» این چیزی است که خداوند متعال، قدوس اسرائیل، می‌گوید: «نجات شما در توبه و آرامش است. قدرت شما در آرامش و اعتماد است، اما شما هیچ یک از

آنها را نخواهید داشت.» شما گفتید: «نه، ما با اسب‌ها فرار خواهیم کرد.» بنابراین فرار خواهید کرد! شما گفتید: «ما بر اسب‌های تیزرو سوار خواهیم شد.» بنابراین تعقیب‌کنندگان شما تیزرو خواهند بود! هزار نفر با تهدید یک نفر فرار خواهند کرد. با تهدید پنج نفر، همه شما فرار خواهید کرد، تا اینکه مانند پرچم «.» بر قله کوه، مانند پرچم بر تپه، باقی خواهید ماند

حال، در آن آیات، مردم به خدا یا پیامبرانش گوش نخواهند داد. بنابراین، نابودی بر آنها نازل خواهد شد و به احتمال زیاد دوباره به دست آشوریان. آیه ۱۷ به ما می‌گوید که نابودی عظیم خواهد بود، هزار نفر از تهدید یک نفر فرار خواهند کرد؛ و از تهدید پنج نفر، همه «. اما برخی نجات خواهند یافت قوم «. شما فرار خواهید کرد، تا اینکه مانند پرچمی بر قله کوه، مانند بیرقی بر تپه‌ای باقی خواهید ماند. یهود همچنان وجود خواهند داشت، اما آنها نابود خواهند شد و تعداد کمی باقی خواهند ماند.

اشعیا ۱۸: ۳۰-۲۶ با این حال، آینده‌ای صلح‌آمیز

من قصد ندارم زیاد در مورد آیات ۱۸ تا ۲۶ صحبت کنم. اما آیات ۱۸ تا ۲۶ آینده‌ای روشن‌تر را برای مردم صهیون پس از بدبختی داوری کنونی نشان می‌دهند. به سختی می‌توان دقیقاً دانست که مواردی که در اینجا شرح داده شده است را کجا قرار دهیم - شاید بتوان آن را به عنوان وضعیت صلح‌آمیز اورشلیم که پس از ۷۰۱ سال قبل از میلاد، پس از عقب‌نشینی اجباری سناخریب و آشوریان، به وجود آمد، در نظر گرفت. اما ممکن است به دوره هزاره دورتر اشاره داشته باشد. به سختی می‌توان گفت

همچنین او برای بذری که در زمین می‌کارید، «: اگر نگاهی به آن بیندازید، در آیه ۲۳ می‌بینیم باران شما را خواهد فرستاد و غذایی که از زمین به دست می‌آید، غنی و فراوان خواهد بود. در آن روز، گاوهای شما در مراتع وسیع خواهند چرید. گاوها و الاغ‌هایی که زمین را شخم می‌زنند، علوفه و آرد را با چنگال و بیل پخش خواهند کرد. در روز کشتار بزرگ، هنگامی که برج‌ها فرو می‌ریزند، جوی‌های آب بر هر کوه بلند و هر تپه بلند جاری خواهد شد. ماه مانند خورشید خواهد درخشید و نور خورشید هفت برابر روشن‌تر خواهد بود، مانند نور هفت روز کامل، زمانی که خداوند کبودی‌های قوم خود را می‌بندد و واضح است که آینده‌ای روشن‌تر وجود دارد؛ چه در یک «. زخم‌هایی را که وارد کرده است، شفا می‌دهد. موقعیت فوری‌تر باشد و چه در یک دوره هزاره دور، آینده، گفتنش دشوار است.

آیات ۲۷ تا ۳۳ به موقعیت فوری باز می‌گردند. این آیه از ویرانی‌ای اشعیا ۲۷: ۳۰-۳۳ نابودی آشور می‌گوید که آشور به دست خداوند متحمل خواهد شد. به آیه ۲۸ نگاه کنید: «نفس مانند نهر خروشان است... او ملت‌ها را در غربال نابودی می‌لرزاند.» سپس به آیه ۳۱ بروید: «آوای خداوند آشور را در هم خواهد شکست. او با عصای خود آنها را خواهد زد. هر ضربه‌ای که خداوند با عصای مجازات خود بر

آنها وارد می‌کند، با آهنگ دف و چنگ خواهد بود، زیرا او با ضربات بازوی خود با آنها در چنگ می‌جنگد.» بنابراین ویرانی آشور این فصل را به پایان می‌رساند.

من این را فقط به عنوان شکست نهایی آشوریان توسط بابلی‌ها در نظر می‌گیرم. باز هم، به نظر من شما در اینجا از زبان شاعرانه‌ای برای توصیف یک پیروزی استفاده می‌کنید. وقتی بابلی‌ها واقعاً به آشوریان حمله کنند، تا چه حد می‌خواهید این را پیش ببرید؟ آیا آنها ارتش‌هایی دارند که دف دارند؟ نمی‌دانم. باز هم، می‌بینید که می‌گوید: « خداوند بر آشوریان بسیار می‌کوبد. » بابلی‌ها به ابزاری در دست خداوند تبدیل می‌شوند تا آنها را داوری کنند. از این نظر، خداوند آشوریان را داوری کرد، اما این به اندازه رهایی اورشلیم در زمان سنحاریب که آن طاعون بر ارتش آنها نازل شد، مستقیم نبود. من تمایل دارم که آن را فقط به عنوان توصیفی شاعرانه از یک پیروزی و یک شکست در نبرد ببینم.

بیاید به اشعیا ۳۱ ادامه دهیم. من قصد ندارم کل اشعیا ۳۱ اورشلیم محافظت شد، آشور داوری شد فصل را بخوانم یا مرور کنم، اما فقط این نظر - که بسیار شبیه فصل ۳۰ است - بسیاری از افکار مشابه مانند پرندگانی که بر فراز آسمان پرواز می‌کنند، خداوند « - تکرار شده‌اند. به آیات پنج و هشت نگاه کنید متعال اورشلیم را محافظت خواهد کرد. او آن را محافظت خواهد کرد و نجات خواهد داد، او از آن آشور با شمشیری که از انسان «: اما سپس آیه هشت «. عبور» خواهد کرد و آن را نجات خواهد داد» نیست، سقوط خواهد کرد. شمشیری که از انسان نیست، آنها را خواهد بلعید. آنها از شمشیر فرار خواهند اما دوباره باید اشاره می‌کردم که ابتدای این فصل «. کرد و جوانانشان به کار اجباری گماشته خواهند شد و ای بر کسانی که برای کمک به مصر می‌روند، کسانی که به اسبان تکیه می‌کنند، کسانی که «: می‌گوید به کثرت ارابه‌های خود و به قدرت عظیم سواران خود اعتماد دارند، اما به قدوس اسرائیل نگاه نمی‌کنند یا این فایده‌ای ندارد. اما خداوند از اورشلیم محافظت خواهد کرد و آشور را «. از خداوند کمک نمی‌خواهند. داوری خواهد کرد.

بیاید به فصل ۳۲ برویم. در پایان فصل ۳۱ اشعیا ۳۲: ۱-۲ برکت مسیحایی سفر زیارتی مؤمنان فعلی می‌خوانیم که آشور سقوط خواهد کرد. آیه نهم می‌گوید که دژ آنها به دلیل وحشت سقوط خواهد کرد و آیه اول فصل ۳۲ در تضاد با آن قرار می‌گیرد: «ببینید، پادشاهی با عدالت سلطنت خواهد کرد و حاکمان با NIV. عدالت حکومت خواهند کرد.» وقتی آیه دوم را می‌خوانید، با یک مشکل ترجمه مواجه می‌شوید می‌گوید: «هر مرد مانند پناهگاهی از باد و پناهگاهی از طوفان خواهد بود. مانند جویبارهای آب در بیابان و سایه صخره‌ای بزرگ در سرزمینی تشنه.» «هر مرد مانند پناهگاهی خواهد بود.» اگر این را با کینگ جیمز مقایسه کنید، خواهید خواند: «و مرد مانند پناهگاهی از باد خواهد بود.» به عبارت دیگر، در ترجمه

کینگ جیمز به نظر می‌رسد که آیه دوم درباره پادشاه آیه اول صحبت می‌کند، در حالی که در ترجمه به نظر می‌رسد که آیه دوم درباره حاکمان آیه اول صحبت می‌کند NIV.

می‌بینید که آیه اول می‌گوید: «پادشاهی به عدالت سلطنت خواهد کرد و حاکمان با انصاف حکومت خواهند کرد.» و آیا منظور «مردی» مانند سایبانی از باد خواهد بود؟ یا «هر مردی» است؟ من فکر می‌کنم منظور در آیه دوم «یک مرد» است و همان شخصی است که در آیه اول توصیف شده است.

به نقل قول خود در صفحه ۲۰، ذیل تفسیر اسکندر نگاه کنید. این از صفحات یک و دو جلد دوم او آمده است که در اینجا دو جلد در یک کتاب است. او می‌گوید: «و مردی مانند پناهگاهی از باد، پوششی از باران خواهد بود؛ طوفانی مانند جوی‌های آب در مکانی خشک یا در خشکسالی، مانند سایه سنگی سنگین در زمینی خسته.» اکثر مفسران متأخر «هر» را به معنای ضمیر توزیع شده می‌دانند. یعنی هر یک از رؤسا یا شاهزادگان ذکر شده در آیه اول، و غیره خواهند بود. اما این کلمه به ندرت، اگر نگوییم هرگز، به این صورت استفاده می‌شود، مگر زمانی که با فعل جمع مرتبط باشد، مانند جاهای مختلف دیگر. اسکندر می‌گوید معنی آن این است که «مردی بر تخت» یا در رأس حکومت خواهد بود که به جای ظلم، از درمندگان محافظت خواهد کرد. این ممکن است به طور نامحدود درک شود یا در یک فرد یا به معنای تأکیدی برای مسیح به کار رود. شکل‌های محافظت یا تسکین همان‌هایی هستند که در بالا در فصل ۴:۶ و ۲۵:۴ استفاده شده‌اند.

حالا من فکر می‌کنم که شما اینجا اشاره‌ای به مسیح دارید: پادشاه، خداوند است، این اشاره‌ای به مسیح است. اما فکر نمی‌کنم اشاره‌ای به پادشاهی هزار ساله باشد، بلکه به زمان حال، به برکاتی که ما اکنون در مسیح قبل از زمان تأسیس پادشاهی هزار ساله داریم - "اینک، پادشاهی به عدالت سلطنت خواهد کرد، فرمانروایان به عدالت حکومت خواهند کرد، و مردی خواهد بود" - این پادشاه است، این مسیح است.

این بسیار شبیه به فصل چهارم کتاب اشعیا است - به یاد دارید که در مورد آن بحث کردیم. اشعیا آیا آن هزاره است یا زمان حال؟ آنجا جایی است که شاخه خداوند زیبا و باشکوه خواهد بود؛ و ۶-۲: ۴: آنگاه خداوند بر فراز تمام کوه صهیون و بر فراز کسانانی که در آنجا جمع می‌شوند، ابری از «آیه پنجم دود در روز و درخششی از آتش مشتعل در شب خواهد آفرید. بر فراز تمام جلال، سایبانی خواهد بود. این سایبان از گرمای روز، سرپناه و سایه‌ای از گرمای روز و پناهگاه و مخفیگاهی از طوفان و باران خواهد بود.»

هر انسانی مانند پناهگاهی از باد و پناهگاهی از طوفان «و شما اینجا در اشعیا ۲: ۳۲ می‌بینید به نظر من، این «خواهد بود، مانند جویبارهای آب در بیابان و سایه صخره‌ای بزرگ در زمینی تشنه

درباره نعمتی است که مؤمن در مسیح در زمانی که همه خطرات برطرف نشده است، دارد - شما در یک سفر زیارتی هستید؛ هنوز چیزی وجود دارد که می‌تواند تهدید کند، و با این حال می‌توانید در حمایتی که مسیح می‌دهد، استراحت کنید. به نظر من، این یک روش معقول برای درک آنچه در فصل ۳۲ آیات اول و دوم مد نظر است، می‌باشد. در مورد فصل چهارم نیز همینطور بود. می‌توان به این سرود متوسل شد صهیون، شهر خدای ما، ای صهیون، ای شهر خدای ما، سخنان باشکوهی از تو گفته می‌شود...» با این « سرود، خداوند صخره ماست؛ در او پناه می‌گیریم، پناهگاهی در زمان طوفان. سرود ادامه می‌یابد: «ای عیسی صخره‌ای در سرزمین خسته، سرزمین خسته، پناهگاهی در زمان طوفان.» این از این آیه در اشعیا ۳۲:۲ به عنوان تجربه فعلی مؤمن گرفته شده است ۳۲:۲

به نظر من آیات سه و چهار نتایج فعالیت این مرد را اشعیا ۳:۳۲-۴ چشمان بینا و گوش‌های فهمیده از آیه دو توصیف می‌کنند، و پادشاه آیه اول نتایج فعالیت این مرد را بیان می‌کند. خدا به قوم خود چشم و گوش خواهد داد تا حقیقت او را در نتیجه تولد تازه‌ای که برای همه کسانی که به مسیح ایمان دارند، آنگاه چشمان کسانی که می‌بینند دیگر بسته نخواهد بود و گوش‌های کسانی « حاصل می‌شود، درک کنند که می‌شنوند، خواهد شنید. ذهن عجول خواهد دانست و خواهد فهمید، و زبان لکنت‌دار روان و واضح این نوع درک و دیدن، نتیجه تولد تازه‌ای است که نصیب کسانی می‌شود که به مسیح توکل ». خواهد شد می‌کنند.

فصل ۳۲ آیات ۵ تا ۸ - پیشنهاد: تقسیم مردم به دو طبقه از اشعیا ۵:۳۲-۸ تقسیم مردم به دو طبقه دیگر احمق، شریف نامیده نخواهد شد و رذل، مورد احترام قرار « طریق موعظه انجیل. شما می‌خوانید نخواهد گرفت. زیرا احمق، سخنان احمقانه می‌گوید و ذهنش به شرارت مشغول است. او مرتکب بی‌دینی می‌شود و درباره خداوند دروغ می‌گوید. گرسنه را خالی می‌گذارد و تشنه را از آب محروم می‌کند. روش‌های رذل شریرانه است. او نقشه‌های شیطانی می‌کشد تا فقرا را با دروغ نابود کند، حتی زمانی که مرد شریف نقشه‌های شریف می‌کشد و با اعمال « اما» در مقابل «». درخواست نیازمندان عادلانه است «». شریف خود پایدار می‌ماند

به نظر من آنچه در اینجا ممکن است دخیل باشد، تقسیم مردم به دو طبقه از طریق موعظه انجیل است. آشکار خواهد شد که کسانی که انجیل را رد می‌کنند، کسانی که در گناه خود باقی می‌مانند، می‌توانند به عنوان رذل‌های پست یا منحرف شناخته شوند. تمایزات اخلاقی با پذیرش یا رد انجیل توسط مردم آشکارتر خواهد شد، به طوری که کسانی که دوباره متولد می‌شوند، کسانی که انجیل را می‌پذیرند و به روشی که کتاب مقدس به آنها دستور می‌دهد زندگی می‌کنند، «نجیبانی خواهند بود که چیزهای شریف را

تدبیر می‌کنند؛ او با چیزهای شریف خواهد ایستاد». بنابراین مردم بر اساس واکنششان به انجیل به رذل و شریف تقسیم می‌شوند. این یک پیشنهاد است.

اشعیا ۳۲ ، آیات ۹ تا ۱۴، به وضعیت فعلی اشعیا ۳۲: ۹-۱۴ دختران صهیون. به نظر می‌رسد باز می‌گردد. او می‌گوید: «ای زنان خودپسند، بلرزید.» این خیلی شبیه فصل سوم است - بخش آخر که در آن او دختران صهیون را توصیف می‌کند که متکبر هستند و با گردن‌های کشیده و چشمان شهوتران راه ای زنان از خود راضی، بلرزید؛ ای دخترانی که احساس امنیت «: می‌روند. ببینید، اینجا می‌گوید می‌کنید، بلرزید! لباس‌های خود را از تن در آورید، پلاس به کمر خود ببندید. برای مزارع دلپذیر، برای تاک‌های پر بار و برای سرزمین قوم من، سرزمینی پوشیده از خار و خس، سینه‌های خود را بکوبید - بله، برای همه خانه‌های شادی و برای این شهر جشن و سرور سوگواری کنید. قلعه متروک خواهد شد، شهر پر سر و صدا متروک خواهد شد. ارگ و برج دیده‌بانی برای همیشه به ویرانه‌ای تبدیل خواهند شد، مایه «. لذت الاغ‌ها، چراگاهی برای گله‌ها

می‌بینم که وقت تمام شده است - فکر می‌کنم بهتر است اظهار نظر در مورد این آیات را تا شروع ساعت بعدی به تعویق بیندازم، چون واقعاً الان نمی‌توانیم به آن پردازیم. بنابراین همین جا متوقف می‌شویم و در ابتدای ساعت بعدی با آیه نهم شروع می‌کنیم.

رونویسی توسط چلسی ریول  
تدوین: کارلی گیمن  
ویرایش خام توسط تد هیلدبرانت  
ویرایش نهایی توسط دکتر پری فیلیپس  
روایت مجدد توسط دکتر پری فیلیپس